دو فصلنامه طب جنوب
دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي درماني بوشهر
سال هفتم، شماره ۲، صفحه ۱۹۰- ۱۹۷ (اسفند۱۳۸۳)

مفاهيم توسعه انساني و روند شاخص توسعه انساني در ايران

دكتر سعيد آصف زاده[۱]، زكيه پيري[۲]

[۱] دانشيار دانشگاه علوم پزشكي قزوين
[۲] دانشجوي دكتري مديريت اطلاعات بهداشتي و درماني دانشگاه علوم پزشكي ايران

چكيده:

توسعه انساني به صورت فرايند افزايش گزينه هاي مردم و افزايش سطح رفاه زندگي تعريف شده و بر خورداري انسان از زندگي طولاني و سالم و اخلاق در محيط غني و درجامعه مدني دموكراتيک هدف نهايي توسعه است. شاخص توسعه انساني با سه متغير اندازه گيري و مورد مقايسه قرار مي گيرد . طول عمر به وسيله اميد زندگي در بدو تولد اندازه گيري مي شود، دانش به وسيله تركيبي از ميزان سواد بزرگسالان و نسبت ثبت نام خاص تركيبي در آموزش ابتدايي، متوسطه و دانشگاهي (ميانگين سال هاي تحصيل)، استاندارد زندگي به وسيله GDP سرانه و يا درآمد اندازه گيري مي شود. سه شاخص ياد شده كه اجزاي شاخص توسعه انساني هستند، با يكديگر جمع و بر سه تقسيم مي شوند. بر اساس گزارشات توسعه انساني، شاخص مربوطه در ايران از ۰/۵٦ در سال ۱۹۷۵ به ۰/۷۳ در سال ۲۰۰۲ افزايش پيدا كرده است. اين در حالي است كه متوسط جهاني اين شاخص در سال ۲۰۰۲، ۰/۷۲۹ بوده است. در بين ۱۷۷ كشور عضو سازمان ملل متحد، ايران رتبه ۱۰۱ را در سال ۲۰۰۲ به خود اختصاص داده است و در سال ۲۰۰۱ ايران در رتبه ۱۰٦ قرار داشت . اگر چه شاخص توسعه انساني در كشورمان روند چشمگيري داشته است، اما با توجه به اين كه ارزش شاخص هاي طول عمر، دانش و سطح زندگي هر كشور از روي بيشترين و كمترين طول عمر، دانش و درآمد كشورهاي مورد بررسي تعيين مي شود و شاخص توسعه انساني رتبه هر كشور را نسبت به كشورهاي ديگر در سال معيني نشان مي دهد، بنابر اين ممكن است طول عمر، دانش و درآمد در كشوري افزايش يابد، در حالي كه شاخص توسعه انساني آن افت داشته باشد. مديران و كاركنان بخش بهداشت و درمان با نقش كليدي خود در بهبود شاخص هاي بهداشتي، سهم عمده اي در توسعه انساني و ارتقاي جايگاه كشورمان در رتبه بندي جهاني دارند.

واژگان كليدي: شاخص توسعه انساني، ايران، توسعه انساني، UNDP

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]

مقدمه

از ديدگاه تاريخي, در آمد بعنوان ميزان توسعه قلمداد مي شده است که چنانچه اين نظريه را رديابي کنيم به نظرية پيگو Pigou در سال ۱۹۲۰ خواهيم رسيد اما آناند و راواليون Anand and Ravallion در سال ۱۹۹۳ به رويکرد مبتني بر دارايي مادي توسعه، انتقاد کردند(۱). متدلوژي برنامة توسعة سازمان ملل (UNDP) با رويگرداني از رهيافت مبتني بر دارايي مادي گام مهمي برداشت و در آمد سرانه را بعنوان مقياسي ناکافي براي ارزيابي اثرات عليتي آن بر کيفيت زندگي و شانس هاي بقا افراد با تإکيد بر جنسيت آنان عنوان نمود (۲).

اولين برنامة توسعة انساني UNDP در سال ۱۹۹۰, توسعه را بيش از گسترش درآمد و ثروت قلمداد کرده و توسعة انساني را بعنوان فرايند فرايندة گزينه هاي مردم ناميد(۳). اين گزارش ها، گزينه هاي قابل دسترس براي مردم را بي نهايت و قابل تغيير در بستر زمان معرفي کرد. در همين گزارش، توسعه در تمام سطوح را در سه بعد به چالش کشيد : الف/ امکان زندگي طولاني سالم؛ ب/ دستيابي به دانايي؛ ج / دسترسي به منابع براي زندگي در شرايط استاندارد. از برجستگي هاي اين گزارش، تأکيد آن بر روي اين هر سه بعد بعنوان ستون هاي اساسي و ضروري توسعة انساني است.

از اين رو، اين نگاه جديد، شاخص توسعة انساني (HDI) را بعنوان مقياسي براي توسعة انساني در هر اين سه بعد ارائه داد؛ سطح سواد بزرگسالان را بعنوان مؤلفة بعد دانايي، اميد به زندگي در زمان تولد را بعنوان مؤلفة زندگي سالم و GDP همسان شده نيز بعنوان مقياس استاندارد زندگي معرفي کرد (۴). هدف شاخص توسعة انساني، اندازه گيري قدرت مردم به نوع زندگي اي است که خود براي آن ارزش قائل هستند(۵). هدف از اين پژوهش مروري، يافتن مفاهيم نظري توسعة انساني و کاربرد شاخص توسعة انساني و روند آن در ايران بوده است. منابع داده هاي شاخص توسعة انساني در اين نوشتار، گزارش توسعة انساني (HDR) سال ۲۰۰۳ برنامة توسعة سازمان ملل است.

مفاهيم توسعه انساني

توسعه انساني به عنوان فرايند افزايش گزينه هاي مردم و افزايش سطح رفاه زندگي تعريف شده است (۶).

توسعه انساني به خودي خود يک هدف است و اين هدف چيزي جز پرورش استعدادهاي انسان نيست. به بيان ديگر توسعه انساني يعني دست يافتن انسان به سلامت کامل، دانش کار و زندگي آفرينندگي، توان سازماندهي و در يک کلام دگرديسي انسان به موجوديتي که در او نهفته است- انسان راستين. هدف اصلي توسعه بهره رساندن به انسان است. يعني بهبود بخشيدن به کيفيت زندگي مردم . هدف توسعه پرورش قابليت هاي انسان و و گسترش امکانات اوست. برخورداري انسان از زندگي طولاني و سالم و اخلاق در محيط غني و در جامعه مدني دموکراتيک، هدف نهايي توسعه است. افزايش درآمد و گسترش اشتغال ضروري است. اما اين دو وسيله توسعه هستند نه هدف آن. رفاه جامعه به چگونگي استفاده از اين درآمد بستگي دارد تا به ميزان آن و به طور خلاصه مي توان گفت انسان هدف توسعه و در عين حال محور آن است و مفهوم توسعه انساني را در مرکز الگو هاي توسعه قرار مي دهد، نه در حاشيه آن (۵).

فيلسوفان، اقتصاد دانان و رهبران سياسي از سالها پيش بر خوب زندگي کردن انسان به عنوان هدف نهايي توسعه تاکيد داشته اند. آريستوئل در يونان قديم گفته است: مال و دارايي بهترين چيزي نيست که ما به دنبال آن هستيم، آن فقط به خاطر چيز ديگري مفيد است. در جستجوي آن چيز ديگر، توسعه انساني يک ديدگاه مشترک با حقوق بشر دارد. هدف آزادي انسان است و اين آزادي حياتي است. مردم در انتخاب هاي خود و مشارکت در تصميماتي که بر زندگي آنها تاثير بگذارد، بايد آزاد باشند. توسعه انساني و حقوق بشر متقابلا همديگر را تقويت مي کنند، به تضمين رفاه زندئي و منزلت همه مردم کمـــک نموده و عزت نفس و احترام به ديگران را ايجاد مي نمايند(٦).

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]

محبوب الحق معتقد است: هدف اساسي توسعه، افزايش انتخاب هاي مردم است. در اصل اين گزينه ها مي تواند بي پايان بوده و در طي زمان تغيير يابد. مردم اغلب به موفقيت هايي ارزش مي دهند كه در قالب شكل هاي رشد يا درآمد نشان داده نمي شوند و فوري به دست نمي آيندو دسترسي بيشتر به دانش، امنيت بيشتر زندگي، امنيت در مقا بل جنايت و خشونت بدني، رضايت از اوقات فراغت، آزادي هاي سياسي و فرهنگي و حس مشاركت در فعاليت هاي جامعه. هدف اختصاصي توسعه، ايجاد محيطي است كه مردم در آن از زندگي طولاني، سالم و خلاق لذت ببرند(۶).

جايگاه انسان و سرمايه انساني در توسعه

گريفين و مک كنلي(۱۳۷۵)، منابع سرمايه اي را به سه بخش تقسيم نموده اند:

۱- منابع سرمايه طبيعي(منابع طبيعي، گياهان و جانوران، خاک و ذخاير معدني، منابع آب شيرين و غيره)،
۲- منابع سرمايه مادي (وسايل مصنوعي توليد، ماشين ها و تجهيزات، پل ها، راه آهن، غيره)
۳- منابع سرمايه انساني(دانش، مهارت، تجربه، انرژي، ابتكار و غيره)

اقتصاد توسعه توجه اصلي خود را بر افزايش منابع مادي متمركز نموده است و اگرچه سرمايه انساني فقط يكي از اجزاء تشكيل دهنده كل منابع سرمايه اي است، اما در فرايند توسعه نقش كليدي ايفا مي كند و اين منابع نيز مانند سرمايه هاي طبيعي و مادي در صورتي كه محافظت نشوند، فاقد ارزش مي شوند. از مشخصه هاي متمايز توسعه انساني اين است كه بر تشكيل سرمايه انساني تاكيد مي ورزد. اين تأكيد به آن معني نيست كه افزودن بر سرمايه هاي طبيعي و مادي مورد بي توجهي است – زيرا چنين بي توجهي اشتباه بزرگي است- بلكه منظور آن است كه تغيير عمده اي در اولويت ها و به نفع سرمايه انساني به وجود آيد. توجيه چنين تغييري در اولويت ها اين است كه اولا به طور كلي بازده سرمايه گذاري در سرمايه انساني اگر از هر بازدهي بيشتر نباشد، دست كم به اندازه بازده ساير انواع سرمايه گذاري است. دوم آنكه سرمايه گذاري در سرمايه انساني در برخي از موارد موجب صرفه جويي در استفاده از سرمايه مادي و بهره برداري از منابع طبيعي نيز مي شود (۷).

مردم سرمايه و دارايي واقعي كشورها هستندو توسعه انساني چيزي بسيار بيشتر از افزايش يا كاهش در آمدهاي ملي است. در نگاه اول به توسعه، توجه به داشتن اموال و دارايي ها نگاه جديدي نيست. رشد اقتصادي شرط لازم براي توسعه انساني است و نه شرط كافي . رشد اقتصادي فقط يک وسيله و مهمترين وسيله براي افزايش گزينه هاست و GDP سرانه فقط درآمد متوسط كشوري را منعكس مي نمايد. آن در باره نحوه توزيع درآمد چيزي نمي گويد(۶). افزايش درآمد و گسترش اشتغال ضروري است. اما اين دو وسيله توسعه هستند. رفاه جامعه به چگونگي استفاده از اين در آمد بستگي دارد تا با ميزان آن. رشد درآمد سرانه به عنوان معياري براي بهبود توسعه انساني در نظر گرفته شده است. اما متون تجربي نشان داده اند كه درآمد سرانه نمي تواند يک تعيين كننده صرف براي دستيابي به توسعه انساني باشد، بلكه تخصيص هاي دولتي بر بخش هاي اجتماعي نقش مهمي را ايفا مي نمايد(۱و۱۰-۱۰).

متغير هاي مهم توسعه انساني

رفاه فرد يا جامعه از چند جزء تشكيل مي شود و براي آن كه معلوم شود چه اندازه پيشرفت و توسعه به دست آمده است لازم است چنين اجزايي اندازه گيري شوند. در تعريف توسعه انساني به افزايش گزينه ها اشاره گرديد، از نظر تئوري اين گزينه ها در هر زمان و مكان مي تواند نامحدود و متنوع باشد. از بين اين گزينه ها، يک زندگي طولاني و توام با سلامت، كسب دانش و آموزش و دسترسي داشتن به منابع مورد نياز براي سطح مناسب زندگي به عنوان سه متغير مهم اجتماعي تعريف شده اند. دستيابي به عمري طولاني، برخورداري از سلامت كامل، دست يافتن به اندوخته اي از دانش و آگاهي و غناي مادي. داشتن درآمد كافي براي خريد غذا، لباس و مسكن و مشاركت در تصميم هايي كه مستقيماً

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]

در زندگي افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارند و مانند آن در مقوله سوم يعني دسترسي داشتن به منابع براي سطح مناسب از زندگي قرار مي گيرند. بدون اينها بسياري از گزينه ها به سادگي قابل دسترس نيستند و فرصت هاي زيادي در زندگي غير قابل دسترس باقي مي مانند (٦و١١).

شاخص توسعه انساني (HDI)

غناي زندگي انسان با شاخص توسعه انساني ارزيابي مي شود. شاخص توسعه انساني نتيجه كوششي است به منظور رها كردن ديدگاه توسعه توليد مدار(كه بر توليد ناخالص داخلي تاكيد دارد) و و جايگزين كردن ديدگاه ديگري كه انسان مدار است. شاخص توسعة انساني HDI يک انديكس تركيبي خالص است كه متوسط موفقيت يک كشور را در سه جنبه اساسي توسعه انساني اندازه مي گيرد: طول عمر، دانش و استاندارد مناسب زندگي.

- طول عمر با زندگي در بدو تولد اندازه گيري مي شود؛ دانش با تركيبي از نرخ باسوادي بزرگسالان و نسبت ثبت
- نام خالص تركيبي از آموزش ابتدايي، متوسطه و دانشگاهي(ميانگين سال هاي تحصيل)؛
- استاندارد زندگي با GDP سرانه و يا در آمد اندازه گيري مي شود(١٢).
- وقتي كه جنبه مقايسه بين المللي به ميان مي آيد لازم است كه هر سه جزء به شكل يک شاخص بيان شود.

$$\frac{L_{\max}-L_c}{L_{\max}-L_{\min}}$$

روش محاسبه شاخص توسعه انساني

L max يعني بالاترين اميد زندگي در كشورهاي مورد بررسي

L min يعني پايين ترين اميد زندگي در كشورهاي مورد بررسي

Lc يعني اميد به زندگي در كشور مورد نظر $W_1(\frac{R_{\max}-R_c}{R_{\max}-R_{\min}})+W_2(\frac{S_{\max}-S_c}{S_{\max}-S_{\min}})$

در اين شاخص:

Rmax بالاترين ميزان باسوادي بزرگسالان در كشورهاي مورد بررسي

Rmin پايين ترين ميزان باسوادي بزرگسالان در كشورهاي مورد بررسي است.

Rc ميزان باسوادي در كشور مورد نظر است.

به همين ترتيب Smax و Smin و Sc نشان دهنده ميانگين سال هاي تحصيل هستند.

W_1 وزني است كه براي باسوادي در نظر گرفته شده است و ٢/٣ است.

W_2 وزني است كه براي سال هاي تحصيل در نظر گرفته شده است و ١/٣ است. $\frac{Y_{\max}-Y_c}{Y_{\max}-Y_{\min}}$

شاخص درآمد كمي پيچيده تر است. اين طور فرض شده است كه هر چه درآمد سرانه افزايش يابد، نقش درآمد در توسعه انساني كمتر مي شود. در اين شاخص:

Ymax بالاترين سرانه توليد ناخالص داخلي تعديل شده بر حسب قدرت خريد در كشورهاي مورد بررسي

Ymin پايين ترين سرانه توليد ناخالص داخلي تعديل شده بر حسب قدرت خريد در كشورهاي مورد بررسي

Yc سرانه توليد ناخالص داخلي تعديل شده بر حسب قدرت خريد در كشورهاي مورد بررسي

سه شاخص گفته شده كه اجزاي HDI هستند، با يكديگر جمع و بر سه تقسيم مي شوند (٧).

$$I=\frac{I_1+I_k+I_y}{3}$$

از زمان ارائه شاخص توسعة انساني از سال ١٩٩٠، اين شاخص بعنوان مقياس بسيار مهمي جهت برآورد توسعه منطقه اي و ملي و نيز مؤلفة مهمي براي رفاه چند جانبه بكار برده مي شود. چاپ سالانة گزارش توسعة انساني و رتبه بندي كشورها بر اسا اين شاخص، واقعه اي است كه رسانه ها براي زمان انتشار آن، مشتاقانه روز شماري مي كنند. همچنين ١٣٥ كشور جهان، با همين متدلوژي شاخص توسعة انساني، گزارش هاي ملي خود را توليد

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]

مي كنند. آنچه به جذابيت HDI افزوده است، نظر مشترک سياستگزاران و اقتصاد دانان است که اين شاخص تنها يک شاخص ساده رشد درآمد نيست، زيرا درآمد سرانه تنها يک محصول مياني مهم توسعه است و همانگونه که آقاي سن (۱۹۹۹) اشاره کرده، تأکيد بر پيشرفت هايي چون گستره هاي آموزش و سلامت است که با گزينه هاي زندگي اتصال دارند (۱۳).

ميانگين سه مؤلفة مهم شاخص توسعة انساني، پس از نرمال سازي داراي مقادير بين صفر و يک خواهند بود و ميانگين اين سه مؤلفه، بعنوان سطح توسعة انساني کلي قلمداد مي شوند. اين مقدار کلي که بين صفر و يک خواهد بود، مقياس بسيار مهم براي ارزيابي آن در بستر زمان و مکان است (۱۴و ۱۵).

گزارش توسعه انساني

گزارش توسعه انساني نخستين بار در سال ۱۹۹۰ انجام گرفت. با يک هدف، يعني قرار دادن مردم در مرکز فرايند توسعه با در نظر داشتن ملاحظات اقتصادي، سياسي و اجتماعي. هدف در عين حال هم کلان و هم ساده بود. با مفهومي وسيع و فراتر از درآمد براي ارزيابي سطح رفاه مردم با عمر طولاني. به ارمغان آوردن توسعه با مردم، به وسيله مردم و براي مردم و تأکيد بر اين که اهداف توسعه عبارتند از گزينه ها و آزادي از زمان انتشار اولين گزارش، چهار مجموعه شاخص هاي جديد براي توسعه انساني ايجاد شده اند. شاخص توسعه انساني، شاخص توسعه مرتبط با جنس، سنجش توانمندي جنسيتي و شاخص فقر انساني. هر شاخص همچنين بر يک زمينه موضوعي در بحث هاي کنوني توسعه اي متمرکز بوده و تحليل هاي قطع روند و توصيه هاي سياسي را ارائه مي نمايدو پيام هاي موجود در گزارشات و ابزارهاي اجرايي انها با استقبال مردم در سراسر جهان مواجه شده و انتشار گزارشات توسعه انساني در سطح ملي در بيش از ۱۲۰ کشور گواهي بر اين مدعاست. گزارش توسعه انساني يک گزارش مستقل مي باشد. اين گزارش مأموريتي از طرف برنامه توسعه ملل متحد بوده و UNDP دستاورد يک تيم انتخابي از پژوهشگران برجسته، متخصصين توسعه و اعضاي دفتر گزارش توسعه انساني مي باشد. هدايت تيم ها از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ توسط محبوب الحق و سپس توسط وي و افراد ديگر انجام گرفته است. گزارش به زبان هاي زيادي ترجمه شده و به طور سالانه به بيش از ۱۰۰ کشور ارسال مي شود.
(۶).

موارد استفاده از HDI

۱ . بر اي جلب نظر سياست گزاران، رسانه ها و سازمان هاي غير دولتي و براي منحرف نمودن توجه آنها از آمارهاي بسيار رايج اقتصادي به جاي تمرکز بر نتايج انساني. HDI ايجاد شده است تا تأکيد کند که مردم و قابليت هاي آنها بايستي معيار نهايي براي ارزيابي توسعه يک کشور باشد، نه رشد اقتصادي.

۲. براي سؤال کردن درباره سياست هاي ملي. ممکن است مطرح شود که چگونه دو کشور با سطح يکسان در آمد سرانه، مي توانند نتايج توسعه انساني متفاوتي داشته باشد. براي مثال ويتنام و پاکستان سطح در آمد يکساني براي افراد دارند، اما اميد زندگي و سواد به طور قابل توجهي بين دو کشور تفاوت دارد که نهايتاً مقدار HDI ويتنام بسيار بالاتر از پاکستان مي باشد. اين تضادها فوراً بحث هايي را در ارتباط با سياست هاي دولت درباره آموزش مطرح مي کند که چرا موفقيتي که در يک کشور به دست آمده براي يک کشور ديگر دور از دسترس است.

۳. براي برجسته نمودن تفاوت هاي زياد در داخل يک کشور، بين استان ها يا ايالت ها، از نظر جنسيت، قوميت و ساير گروه هاي اجتماعي- اقتصادي. مشخص کردن تفاوت در داخل کشورها بحث هاي ملي را در بسياري از کشورها برانگيخته است.

منبع داده هاي مربوط به جداول شاخص ها در گزارش سال ۲۰۰۳

منابع اوليه داده ها عبارتند از: بخش جمعيت ملل متحد براي اميد زندگي، مؤسسه يونسکو براي آمارهاي سواد بزرگسالان و نسبت ثبت نام خالص ترکيبي ابتدايي،

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]

متوسطه و عاليه و بانک جهاني براي GDP سرانه ($PPP US). اکنون به دلايل مختلف، هنوز شکاف هاي بسيار داده اي حتي در حيطه هاي بسيار اساسي شاخص هاي توسعه انساني وجود دارد. در بعضي موارد دفتر گزارش توسعه انساني کوشش نموده است که از طريق مشاوره با دفاتر کشوري و منطقه اي يا ساير متخصصين، برآوردهايي انجام دهد. دفتر گزارش توسعه انساني مي کوشد تا حد امکان کشورهاي عضو سازمان ملل متحد را در HDI منظور نمايد. براي اينکه يک کشور در اين لحاظ شود، داده ها بايستي از آژانس هاي بين المللي مربوطه براي هر سه عنصر شاخص قابل دستيابي باشد. اما داده هاي تعداد قابل توجهي از کشورها در مورد يک يا چند مورد از عناصر فوق وجود ندارد. با وجود فعاليت هاي حمايتي براي بهبود داده هاي توسعه انساني، به عنوان يک اصل و بنا به دلايل کاربردي دفتر گزارش توسعه انساني، داده ها مستقيماً از کشورها جمع آوري نمي شوند و يا برآوردهايي براي تکميل اين شکاف هاي داده اي در گزارش انجام مي گيرد.

دفتر گزارش توسعه انساني يک استفاده کننده آمارهاست و نه توليد کننده آنها. جهت فراهم سازي امکان مقايسه بين کشورها و در فواصل زماني گزارش توسعه انساني، دفتر ياده شده بر آژانس هاي داده اي بين المللي که منابع و تخصص لازم را براي جمع آوري و سازماندهي داده هاي بين المللي بر اساس شاخص هاي خاص آماري را دارند، متکي مي باشد. از منابع عمده داده ها که دفتر گزارش توسعه انساني از آن ها استفاده مي کنند، مي توان از يونيسف، سازمان بهداشت جهاني، بخش جمعيت ملل، انستيتو تحقيقاتي ميان منطقه اي جنايت و عدالت سازمان ملل، يونسکو، اتحاديه ارتباطات دور بين المللي، انستيتو بين المللي مطالعات استراتژيک، مرکز آناليز گاز کربنيک، سازمان غذا و کشاورزي، سازمان بين المللي کار، صندوق بين المللي پول نام برد (۱۶).

روند شاخص توسعه انساني در ايران

بر اساس داده هاي جدول شماره ۱ که از گزارشات توسعه انساني در سال هاي مختلف استخراج گرديده است، شاخص توسعه انساني در ايران از ۰/۵۶ درسال ۱۹۷۵ به ۰/۷۳ در سال ۲۰۰۲ افزايش يافته است. متوسط جهاني اين شاخص براي کل کشورهاي عضو سازمان ملل متحد ۰/۷۲۹ مي باشد. اين متوسط براي کشورهاي آسيايي شرقي ۰/۷۴، آمريکاي لاتين و حوزه کارائيب ۰/۷۷، کشورهاي عضو OECD ۰/۹۱، کشورهاي عرب ۰/۶۵، صحراي جنوبي آفريقا ۰/۴۶ و کشورهاي در حال توسعه ۰/۶۶ مي باشد (۱۲).

جدول ۱) مقايسة روند شاخص توسعه انساني در چند کشور عضو سازمان ملل متحد

رتبه	نام کشور	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۲
۱	نروژ	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۵
۸	آمريکا	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۴
۹	ژاپن	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۴
۴۴	کويت	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۷۸	...	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۸۴
۵۹	مالزي	۰/۶۱	۰/۶۵	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۷۶	۰/۷۹	۰/۷۹
۷۴	عمان	۰/۴۹	۰/۵۴	۰/۶۴	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۷۶	۰/۷۷
۹۴	چين	۰/۵۳	۰/۵۶	۰/۵۹	۰/۶۲	۰/۶۸	۰/۷۲	۰/۷۴
۱۰۱	ايران	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۶۱	۰/۶۵	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۷۳

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]

جدول شماره ۲) مقايسة اجزاي سه گانه شاخص توسعه انساني در ايران

سال	اميد زندگي	نرخ باسوادي بزرگسالان	تركيب نسبت ثبت نام خالص در آموزش ابتدايي، متوسطه و عالي	GDP سرانه	شاخص اميد زندگي	شاخص آموزش	شاخص GDP
۲۰۰۱	۶۹/۸	۷۷/۱	۶۴	۶/۰۰۰	۰/۷۵	۰/۷۳	۰/۶۸
۲۰۰۲	۷۰/۱	۷۷/۱	۶۹	۶/۶۹۰	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۷۰

جدول شماره ۲ نشان مي دهد كه اجزاي سه گانه شاخص توسعه انساني در ايران سير صعودي داشته اند. علي رغم افزايش اميد زندگي از ۶۹/۸ در سال ۲۰۰۱ به ۷۰/۱ در سال ۲۰۰۲، شاخص اميد زندگي در مقايسه بين المللي ثابت مانده است (۶).

تأثير توسعه انساني در بخش سلامت بر رشد اقتصادي

شواهد فراواني وجود دارند كه نشان مي دهند همچنان كه مردم سالم تر و از لحاظ تغذيه سطح مطلوب تري را به دست مي آورند و تحصيلات بالاتري دارا مي شوند، بيشتر در رشد اقتصادي شركت مي كنند (۱۷).

افزايش كيفيت سلامت و تغذيه، تأثيرات مستقيمي بر بهره وري نيروي كار، بويژه در جوامع فقيرتر دارد. يک محدوده همبستگي، ميان بهره وري نيرو كار و افزايش دريافت كالري غذايي در كشورهاي فقير مشاهده مي شود، مانند مطالعات بر روي كشاورزان سيرالئون، كارگران نيشكر گواتمالا و كارگران جاده سازي در كنيا؛ در اين نمونه ها، افزايش بهره وري، بوضوح با افزايش دريافت كالري و ريز مغذي ها ديده شده است (۱۸و ۱۹).

در يک مطالعة طولي در بچه هاي كشور شيلي مشاهده شد كه مكمل هاي تغذيه اي براي جلوگيري از سوء تغذيه توانسته است بين شش تا هشت

برابر هزينة مصرف شده براي افزايش بهره وري را توليد كند.

مطالعه اي مشابه در كالي كلمبيا، نيز مؤيد اين مطلب بود كه برنامة بهبود تغذيه و سلامت، توانسته بود در آمد طول زندگي افراد را بين ۲/۵ تا ۸/۹ برابر بيشتر از كارگران بي سواد افزايش دهد. شولتز (۲۰۰۰) نيز همبستگي چشمگيري ميان قد و درآمد در آناليز داده هاي كشور غنا بدست آورد (۱۷).

در هر صورت، دو مؤلفة مهم شاخص توسعة انساني, يعني آموزش و سلامت، تأثيرات غير مستقيم محكمي بر رشد اقتصادي از طريق تأثيرات بر روي پخش در آمد دارند؛ و اثر آموزش شايد بدليل تأثير خود اين مؤلفه بر سلامت، بيش از آنچه تصور مي رود رخنمايي مي كند.

بنابراين هر چه سطح آموزش و سلامت بهبود مي يابد، مردم با درآمد كمتر، توانايي بيشتري براي بدست آوردن فرصت هاي اقتصادي خواهند داشت (۲۰).

نتيجه گيري

هدف توسعه انساني اين است كه به انسان ها كمک كند تا توان و استعداد نهفته خود را بروز دهند و توان فكري و قابليت هاي فني و سازماندهي شان را توسعه دهند. شاخص توسعه انساني رتبه هر كشور را نسبت به كشورهاي ديگر در سال معيني نشان مي دهد. دليل فني آن اين است كه بيشترين ارزش شاخص هاي طول عمر، دانش و سطح زندگي هر كشور از روي بيشترين و كمترين طول عمر، دانش و درامد كشورهاي مورد بررسي تعيين مي شود (۷). اين عبارت گوياي فرضي ضمني است به اين معني كه شاخص توسعه انساني مفهومي نسبي است نه مطلق. از اين رو ممكن است طول عمر، دانش و درآمد در كشوري افزايش يابد؛ در حالي كه شاخص توسعه انساني آن افت داشته باشد. مثلاً وقتي شاخص هاي طول عمر، دانش و درآمد ساير كشورها سريع تر از شاخص هاي كشور مورد نظر افزايش يابد، چنين افتي در شاخص توسعه انساني آن كشور رخ مي دهد. افت نسبتي مؤلفه هاي توسعه انساني به پايين آمدن

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]

شاخص توسعه انساني را وسيله اي براي اندازه گيري پيشرفت توسعه انساني در طول زمان دانست. شاخص توسعه انساني در ايران اگر چه رشد قابل توجهي در طي ۲۵ سال گذشته داشته از ۵۶% در سال ۱۹۷۵ به ۷۳% در سال ۲۰۰۲ افزايش يافته و شاخص هاي اميد زندگي، آموزش و GDP سير صعودي داشته اند، اما با توجه به دليل آهنگ سريع توسعه در ساير كشورها، افزايش قابل توجهي در رتبه كلي رخ نداده است. در بين ۱۷۷ كشور عضو سازمان ملل متحد، رتبه ۱۰۱ از نظر شاخص توسعه انساني به ايران تعلق دارد. هر كدام از نهادهاي دولتي و غير دولتي كشور نقش خاص خود را در بهبود مؤلفه هاي توسعه انساني دارند و نقش قابل توجه و كليدي مديران و كاركنان بهداشتي و درماني در بهبود شاخص هاي بهداشتي و در نتيجه صيانت از سرمايه هاي انساني خلاصه مي شود .

References:

1. Anand S, Ravallion M. Human development in poor countries: on the role of private incomes and public services. J Econom Perspect 1993; 7:133-150.
2. Sen A. Cooperation, inequality and the family. Population Develop Rev 1990; 15(suppl):61-76.
3. UNDP (1990). Human Development Report. New York: Oxford University Press, 1990.
4. Sagar AD, Najam A. The human development index: a critical review. Ecology Econ 1998;25:249-264.
5. Haq M. Reflections on human development, New York: Oxford University Press, 1995.
6. United Nations Development Programme, (2003), What is the human development? Human Development Reports, retrieved 25 April, 2004, from Http://hdr.undp.org/hd/default.cfm.
۷. گريفين، كيث، مک كنلي، تري ، تحقق استراتژي انساني، ترجمه غلامرضا خواجه پور ، موسسه عالي پژوهش تامين اجتماعي، ۱۳۷۵ .
8. Streeten P. From growth to basic needs. Finance Develop 1979;16:28-31.
9. Isenman P. Basic needs: the case of Sri Lanka. World Develop 1980;8:237-58.
10. Sen A. Public action and the quality of life in developing countries. Oxford Bull Econom Statist 1981;43:287-319.
11. Bari F. From economic growth to human development. CMER Working paper Series No. 01-28, 2001 (WWW. /ums.edu.pl/cmer).
12. United Nations Programme, (2003), FAQ on the Human Development Indices? Human Development Reports, retrived 20 May, 2004, from http://hdr.undp.org/hd/default.cfm.
13. Sen AK. Development as freedom. New York: Knopf,1999.
14. Kelly AC. The Human Development Index: Handle with care. Popul Develop Rev 1991;17:315-324.
15. Foster JE, Lopez-Calva LF, Szekely M. Measuring the distribution of human development: Methodology and an application to Mexico. UDLA, working paper no. 2003-08, 2003.
16. Human Development Report Office (2001), Human Development Indicators, Notes On Statistics in the Human Development Report, 134.
17. Ranis G. Economic growth human develop 2000;28:197-219.
18. Strauss J. Does better nutrition raise farm productivity? J Polit Econom 1986; 94:297-320.
19. Strauss J, Duncan T. Nutrition and economic development. J Econom Liter 1998; 36:766-817.
20. Ranis G. Human development and economic growth. Economic Growth center, Yale University, Center Discussion paper no. 887, 2004, 7.

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-11-02]